

مدارا

AZADI TOWER ARTISTIC
AND CULTURAL COMPLEX

مجموعه هنرهای بزرگ آزادی

نشریه دانشجویی انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه خلیج فارس بوشهر
سال هیجدهم، ۶ آبان ۱۴۰۴
شماره ۱۴۷

نشریه دانشجویی مدارا
صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه خلیج فارس
مدیرمسئول: آرش عباسی
سردبیر: علیرضا بهادریان
ویراستار: راحله دهقان و مریم عوادزاده
طراح جلد: مهدی بوستانی
مصاحبه گر: مهدیه احمدی

تمامی نوشته هایی که با نام نویسنده و بدون ذکر منبع یا توضیح مرتبط دیگری به چاپ میرسد، مطالب تولیدی دانشجویان دانشگاه خلیج فارس است. دانشجویانی که تمایل دارند مقالات و نوشتارهایشان در ماهنامه «مدارا» منتشر شود، با مراجعه به دفتر انجمن اسلامی یا از طریق صفحات مجازی انجمن اسلامی میتوانند این مقالات را به دست هیئت دبیران «مدارا» برسانند. مقالات منتشره صرفاً دیدگاه نویسندگان آن مقاله را نمایندگی میکند. مطالب این نشریه دیدگاه انجمن اسلامی دانشجویان نیست. مواضع و دیدگاههای انجمن اسلامی تنها از طریق بیانیه و دبیر انجمن اسلامی اعلان میگردد.

آدرس: دانشگاه خلیج فارس، دانشکده نفت، گاز و پتروشیمی

فهرست مطالب

۳ سرمقاله

۳-۴ مکانیزم ماشه، شلیکی کشنده به ایران

۵ ادبیات در سیاست

۶ لیبرالیسم و تراژدی شکسپیر

۷ جنگ جنسیتی در فضای مجازی

مصاحبه ها

۸ ۱. روایت دکتر صداقت جو از چالش های دانشگاه خلیج فارس
۲. گفت و گو با دکتر مصلح | رئیس دانشگاه در سال های ۹۳ تا ۱۴۰۰

۱۱ چالش ها و ضرورت پاسخگویی در دانشگاه



ماشه کشیده شد، شلیکی کشنده به ایران

مکانیزم ماشه، یکی از بحث‌برانگیزترین بندهای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) است که امکان بازگردانی سریع تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران را در صورت نقض تعهدات از سوی ایران فراهم می‌کند. این مکانیزم نه تنها به عنوان یک ابزار حقوقی-سیاسی، بلکه به عنوان یک متغیر کلیدی اثرگذار بر ثبات و امنیت اقتصادی ایران عمل می‌کند. این مقاله به بررسی مفهوم، اهداف، و پیامدهای اقتصادی مکانیزم ماشه بر اقتصاد ایران می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه این مکانیزم با ایجاد ابهام سیستماتیک، سرمایه‌گذاری خارجی، تجارت بین‌الملل و ثبات کلان اقتصادی ایران را تحت تأثیر قرار داد.

پس از توافق برجام در سال ۲۰۱۵، انتظار می‌رفت که با لغو تحریم‌ها، اقتصاد ایران مسیر رشد پایدار و (ادغام مجدد) با اقتصاد جهانی را در پیش گیرد. این مکانیزم به کشورهای عضو برجام این امکان را می‌داد که در صورت ارزیابی نقض قابل توجه تعهدات ایران، فرآیندی سریع را برای (بازگشت فوری) تمام تحریم‌های قبلی شورای امنیت به راه اندازند. این مقاله استدلال می‌کند که تهدید بالقوه فعال شدن این مکانیزم، به خودی خود آثار اقتصادی عمیقی داشته است. آثار اقتصادی مکانیزم ماشه پیش از فعال‌سازی (دوره تهدید) حتی قبل از خروج یکجانبه آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ و فعال‌سازی رسمی مکانیزم ماشه توسط این کشور در سال ۲۰۲۰، وجود این مکانیزم آثار مستقیمی بر اقتصاد ایران داشت:

افزایش ریسک سرمایه‌گذاری: سرمایه‌گذاران خارجی و مؤسسات مالی بین‌المللی همواره با این سؤال مواجه بودند که «اگر مکانیزم ماشه فعال شود چه خواهد شد؟». این عدم قطعیت، ریسک سیاسی سرمایه‌گذاری در ایران را به طور قابل توجهی افزایش داد. حتی شرکت‌های علاقمند نیز به دلیل ترس از عواقب قانونی و مالی ناشی از بازگشت ناگهانی تحریم‌ها، از انجام معاملات بزرگ خودداری می‌کردند یا با احتیاط فراوان عمل می‌نمودند.

محدودیت در دسترسی به نظام مالی جهانی: بانک‌های بین‌المللی که کلید اصلی ترانکشن‌های مالی و تجاری بودند، به دلیل حافظه تاریخی تحریم‌ها و ترس از، تمایل چندانی برای بازگشت به بازار ایران

مدارا، بازگشت صداست

پس از چند سال وقفه و سکوت، اینک مدارا بار دیگر انتشار خود را از سر می‌گیرد؛ نشریه‌ای که ریشه در آرمان‌خواهی و دغدغه‌مندی دانشجویی دارد و همواره کوشیده است صدایی مستقل، منتقد و آگاه در فضای دانشگاه باشد. در سال‌های گذشته، نه تنها انتشار این نشریه متوقف شد بلکه فعالیت‌های انجمن نیز در سکوتی ناخواسته فرو رفت؛ سکوتی که گاه نتیجه فضای حاکم بر دانشگاه بود و گاه حاصل بی‌مهری‌ها و تنگ‌نظری‌هایی بود که امکان ادامه مسیر را دشوار کرد.

با این حال، این خاموشی به معنای پایان راه نبود. اندیشه‌ای که بر پایه آزادی، استقلال و گفت‌وگو بنا شده است، با هیچ محدودیتی از بین نمی‌رود. ما همچنان بر این باور ایستاده‌ایم که دانشگاه باید خانه نقد و تبادل اندیشه باشد، نه عرصه سکوت و انفعال. در این مسیر نمی‌توان از نقش استادان فرهیخته و دلسوزی که در دوران رکود، برای حفظ فضای گفت‌وگو، آزادی بیان و پویایی دانشگاه تلاش کردند، چشم پوشید. بی‌تردید بازگشت امروز مدارا و آغاز دوباره این مسیر، مرهون همراهی و حمایت ایشان است. از تلاش‌هایشان صمیمانه سپاسگزاریم.

در این بازگشت، یاد و نام یکی از همراهان دغدغه‌مند خود را گرامی می‌داریم؛ دانشجویی که با وجود شایستگی و انگیزه فراوان، به دلیل مداخلات نهادهای نظارتی و نبود استقلال مدیریتی در دوره پیشین، ناچار شد پیش از انتخابات از ادامه مسیر کناره گیرد. مدارا بازگشته است تا بار دیگر پلی باشد میان اندیشه‌ها، میان استاد و دانشجو، میان نقد و عمل. آمده‌ایم تا بنویسیم، روشنگری کنیم و مطالبه‌گر باشیم؛ برای ارتقای آگاهی، برای احیای گفت‌وگو، و برای دانشگاهی که شان آن در آزادی و پویایی است.



علیرضا بهادریان

مهندسی شیمی ۱۴۰۲

عمدتاً از کانال‌های غیرمستقیم، پریسک و پرهزینه انجام شود و از منافع کامل برجام محروم بماند.

ابهام در برنامه‌ریزی بلندمدت: بنگاه‌های داخلی و سیاست‌گذاران اقتصادی ایران نیز نمی‌توانستند با اطمینان برای آینده برنامه‌ریزی کنند. احتمال بازگشت تحریم‌ها، هرگونه استراتژی بلندمدت برای جذب فناوری، توسعه صادرات غیرنفتی و همکاری‌های منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌داد.

اما پیش از مکانیزم ماشه بدعهدی آمریکا مانع از بهره برداری ایران از برجام شد.

تحریم‌های حداکثری آمریکا: اگرچه مکانیزم ماشه در شورای امنیت به شکل مورد نظر آمریکا اجرایی نشد، اما این کشور به صورت یکجانبه تحریم‌های خود را با شدت بیشتری اعمال کرد. در عمل، «ماشه» توسط مهم‌ترین بازیگر اقتصادی جهان کشیده شد و اقتصاد ایران را با شدیدترین دوره تحریمی خود مواجه کرد.

شوک به درآمدهای نفتی: تحریم‌های آمریکا صادرات نفت ایران را به شدت محدود کرد و درآمد ارزی کشور را به میزان قابل توجهی کاهش داد. این امر فشار شدیدی بر بودجه دولت، ارزش پول ملی و قدرت خرید مردم وارد آورد.

تشدید تورم و رکود: کاهش درآمدهای ارزی، محدودیت در واردات کالاهای اساسی و واسطه‌ای، و خروج سرمایه‌گذاری‌ها منجر به ترکیب نابودگر تورم بالا و رکود اقتصادی (رکود تورمی) شد که م باعث سقوط آزاد استانداردهای زندگی ایرانیان شد و معیشت ایرانیان را شدیداً تحت تأثیر قرار داد.

انزوا و قطع ارتباط با زنجیره‌های تأمین جهانی: اقتصاد ایران عملاً از گردونه تجارت و مالی جهانی خارج شد و دسترسی به فناوری‌های روز و سرمایه‌های خارجی تقریباً قطع گردید.

مکانیزم ماشه را می‌توان به یک «شمشیر داموکلس» بر فراز اقتصاد ایران تشبیه کرد. شمشیری که برای ایران آخته شد.

این تجربه نشان می‌دهد که برای دستیابی به ثبات و رشد اقتصادی پایدار، ایران نیازمند عبور از وضعیت «ماشه‌ای» است.

این امر مستلزم اتخاذ دیپلماسی فعال و قابل پیش‌بینی برای کاهش تنش‌ها و ایجاد اعتماد بین‌المللی است. همچنین، طراحی یک استراتژی اقتصاد مقاومتی درون‌زا که وابستگی به درآمدهای نفتی را کاهش داده و بر توسعه روابط اقتصادی با شرکای متنوع منطقه‌ای و بین‌المللی تمرکز کند، می‌تواند آسیب‌پذیری اقتصاد ایران را در برابر چنین مکانیزم‌های خارجی کاهش دهد.

نهایت آینده اقتصادی ایران به میزان قابل توجهی به توانایی آن در تبدیل تهدیدهای ژئوپلیتیک مانند مکانیزم ماشه به فرصت‌هایی برای تنوع‌بخشی و افزایش تاب‌آوری اقتصادی بستگی خواهد داشت.

آثار کلان و فوری کشیده شدن ماشه مرگ

۱. شوک به درآمدهای ارزی: قطع کامل صادرات نفت: تحریم‌های شورای امنیت به طور مستقیم و قانونی صادرات نفت ایران را هدف قرار می‌دهند.

با فعال شدن مکانیزم ماشه، خرید نفت از ایران برای کلیه کشورهای عضو سازمان ملل غیرقانونی می‌شود. که در نتیجه آن درآمد ارزی ایران که به شدت به فروش نفت وابسته است، با افت شدید و فوری مواجه خواهد شد.

این امر کسری بودجه دولت که هم اکنون هم بالا است را به طور بی‌سابقه‌ای افزایش می‌دهد و منابع مورد نیاز برای واردات کالاهای اساسی، دارو و کالاهای سرمایه‌ای را به شدت محدود می‌کند.

۲. انزوای کامل مالی و بانکی:

سیستم بانکی ایران به طور کامل از شبکه جهانی سوئیفت قطع خواهد شد. حتی کانال‌های محدود و غیرمستقیم کنونی برای انتقال پول نیز مسدود می‌شوند.

در نتیجه انجام هرگونه تجارت بین‌المللی، حتی با کشورهای دوست، با دشواری فوق‌العاده و هزینه‌های بسیار بالا مواجه می‌شود. دریافت پول از صادرات غیرنفتی (مانند پتروشیمی و محصولات معدنی) تقریباً غیرممکن خواهد شد.

۳. سقوط آزاد ارزش پول ملی:

همین‌طور که می‌بینیم حتی پیش از فعال شدن مکانیزم ماشه، بازار ارز با افزایش شدید تقاضا و سقوط ارزش پول ملی، آینده اقتصاد کشور در ابهام است.

جمع‌بندی نهایی

فعال شدن مکانیزم ماشه را می‌توان معادل «تحریم تمام‌عیار و چندجانبه» اقتصاد ایران دانست. در مقایسه با تحریم‌های یکجانبه آمریکا که تاکنون اعمال شده، تحریم‌های شورای امنیت از مشروعیت بین‌المللی برخوردار بوده و شمولیت جهانی دارند. این امر باعث می‌شود:

• هزینه دور زدن تحریم‌ها برای کشورهای دیگر به شدت افزایش یابد.

• فشار اقتصادی بر ایران به حداکثر ممکن برسد.

در چنین سناریویی، اقتصاد ایران با یک «شوک سیستماتیک» مواجه خواهد شد که ثبات کلان‌اقتصادی را به طور کامل از بین برده و امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را سلب می‌کند.

اما حالا باید دید آیا متحدین شرقی ایران حاضرند دست به حمایت همه‌جانبه از ایران بزنند یا خیر. آیا همانند قائله آذربایجان در دوران پس از جنگ جهانی دوم که باعث رویارویی آمریکا و شوروی بر سر ایران شد دوباره تاریخ تکرار می‌شود؟ اما از جهتی عکس؟



علی فاندی

مهندسی شیمی ۱۴۰۲

ادبیات در سیاست



همچنین حافظ شیرازی در اغلب اشعارش به ریاکاری و ظلم زمانه‌اش اشاره دارد و عبید زاکانی در آثار طنز و هجو خود، مانند موش و گربه و رساله دلگشا، به فساد سیاسی و ظلم حاکمان تاخته است. در ادبیات اعتراضی و پندآموز، شاعران در واقع با بهره‌گیری از قالب‌هایی چون طنز و هجو یا استفاده از حیوانات به‌عنوان شخصیت‌های اصلی، اعتراض خود را بیان می‌کردند. این شاعران نشان دادند که ادبیات فقط ابزار مدح و تملق نیست، بلکه می‌تواند آینه اعتراض مردم باشد.

ادبیات و هویت ملی و سیاسی

اینکه ما ایرانیان دارای هویت ملی و سیاسی غنی هستیم، بخش بزرگی از آن را مدیون ادبیات هستیم. زیرا به دلایلی که پیش‌تر اشاره کردیم، متون ادبی گذشته سرشار از اطلاعات تاریخی‌اند. از دل شعرها و نثرها می‌توان به رویدادهای سیاسی، مانند برکناری شاهان، نوع حکومت، ویژگی‌های حاکمان و حتی وضعیت مردم جامعه پی برد. آشکار است که حافظ در جامعه‌ای پر از ریا و مکر می‌زیسته، و ابوالفضل بیهقی در تاریخ بیهقی نیز در ستایش‌های خود، لحنی طعنه‌آمیز دارد. از این‌رو ادبیات و کتاب‌های ادبی در شکل‌گیری هویت ملی و سیاسی نقش فراوانی داشته‌اند. نمونه روشن آن فردوسی است در شاهنامه؛ نمی‌دانیم اگر فردوسی نبود، چگونه باید درمی‌یافتیم که که هستیم و ریشه‌هایمان به کجا بازمی‌گردد. رابطه ادبیات و سیاست در گذشته همواره دوگانه، اما در عین حال تعیین‌کننده بوده است. از یک‌سو ادبیات در قالب‌هایی چون قصیده، وسیله‌ای برای مشروعیت بخشیدن به قدرت‌ها بوده است و شاعران درباری با مدح و ستایش، دربار را تقویت می‌کردند؛ و از سوی دیگر، بخشی از ادبیات به‌عنوان صدای اعتراض شنیده می‌شد.

این دو نقش متضاد نشان می‌دهد که ادبیات تنها یک هنر نبوده، بلکه در کنار سیاست، قدرتی اجتماعی و فرهنگی داشته است که توانسته مسیر اندیشه و رفتار مردم را دگرگون کند. بدین ترتیب، پیوند ادبیات و سیاست همچنان در حافظه جمعی ما زنده است و آثار آن بر فرهنگ و جامعه امروز نیز ادامه دارد.

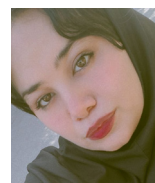
ادبیات آینه تمام‌نمای جامعه است و سیاست یکی از عرصه‌هایی است که می‌توان در این آینه تماشا کرد. از گذشته تاکنون میان ادبیات و سیاست تعامل زیادی وجود داشته است و البته در گذشته، بیشتر رجال سیاسی به نوعی اهل ادب بوده‌اند؛ مانند خواجه نظام‌الملک طوسی. بیشتر شاعران نیز در دربارها فعالیت می‌کردند و در بیشتر دربارها بخشی ویژه برای ادب وجود داشت. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که ادبیات گذشته چگونه بازتاب‌دهنده سیاست زمان خود بوده است؟

ادبیات به‌عنوان ابزار سیاست

در گذشته، شعر و نثر بیش از امروز رایج بود و شاعران با تقدیم کردن قصیده‌هایشان به پادشاه، کسب درآمد می‌کردند و شاعران بسیاری این کار را انجام می‌دادند. در وهله دوم، به بررسی نقش این قصاید در تبلیغ و تثبیت حکومت‌ها می‌پردازیم. این قصاید که بیشتر در پیروزی پادشاهان در جنگ، تولد شاهزاده‌ها، تاج‌گذاری‌ها، جشن‌ها و اعیاد سروده می‌شدند، نقش زیادی در استحکام حکومت‌ها داشتند. برای نمونه، فرخی سیستانی بیشتر اشعارش را در مدح پادشاهان و بزرگان غزنوی سروده است، یا عنصری بلخی که از بزرگ‌ترین قصیده‌سرایان دربار محمود غزنوی بود.

ادبیات به‌عنوان نقد سیاست

در این بخش به نویسندگان و شاعرانی می‌پردازیم که علیه ظلم سخن می‌گفتند، نه در مدح پادشاهان. در آن دوران نیز کسانی بودند که در پی تملق نبودند و تنها به منافع شخصی نمی‌اندیشیدند؛ کسانی که ادبیات را یکی از پایه‌های اصلی سیاست و مانند رسانه‌های امروزی - چون فضای مجازی یا روزنامه - می‌دانستند. پیرو این دیدگاه، آن‌ها متن‌های اعتراض‌آمیز خود را در قالب مفاهیم پنهان در شعر و نثر بیان می‌کردند. برای مثال، حکیم فردوسی در اشعار خود بارها ستم و بی‌عدالتی پادشاهان زمان خود را نکوهش کرده است، یا سعدی شیرین‌سخن که در کتاب گلستان نشان می‌دهد پادشاهان ظالم عاقبتی خوش نداشته‌اند و سرانجام به تباهی کشیده شده‌اند.



راحله دهقان

ادبیات فارسی ۱۴۰۲

لیبرالیسم و تراژدی شکسپیر

کوردلیا: شما را چگونه دوست میدارم که وظیفه حکم می‌کند نه بیشتر نه کمتر.

تراژدی شکسپیر شاید از اینجا شروع شود، با بیان یک انسان از خودش.

شاه لیر اثر شکسپیر یکی از معروف‌ترین تراژدی‌های ادبیات کلاسیک جهان است.

شکسپیر در خلال شخصیت‌های که خلق کرده به عمق انسان و جامعه پرداخته است.

شاه لیر نشان می‌دهد که می‌شود از طریق هنر به بطن ایدئولوژی جامعه رسید و نقش جامعه در خلق هنر را بیان می‌کند.

به همین دلیل است که می‌توانیم از طریق خواندن یک تراژدی به درک لیبرالیسم نائل شویم.

کوردلیا دختر لیر او خود را به عنوان خود بیان کرد و بیان او سرآغازی شد بر فروپاشی تمام ظواهر. او آزاد بود که بگوید ولی آزادتر از آن بود که نگوید.

دو دختر دیگر لیر از آزادی خود برای تحکم ظواهر خود استفاده کردند و در آخر دچار همین ظواهر شدند. این همان است که لیبرال‌ها از آن واهمه دارند. از آزادی گذر کردن و رسیدن به استبداد فردی.

دلک دربار، دیوانه‌ای که حقیقت را چون سگ وحشی می‌داند که باید از آن پاسبانی کرد. دیوانه‌ی آگاه حقیقت گو، میگفت به اعتبار دلک بودنش و چه کسی اعتنایی می‌کند به دلک کدام عاقل خود را انقدر قدرتمند می‌داند که گوش بسپرد به دلکی؟

در جایی که لیبرالیسم باشد حتی دلکان حاشیه‌ی جامعه حق سخن گفتن و ابراز خود را دارند.

اینجاست که عاقل، عاقل قدرتمند بر خویش می‌تواند از دلکی سخنی بشنود.

لیبر پادشاهی در آغاز با تمام استبداد خود، فرومایه‌ای در میانه، بدون آنچه به عنوان شاه باید داشته باشد و آزاد در پایان.

لیبر برای قدرت‌نمایی انسانی‌اش، آزادی خود را فدا کرد و چه بهای سنگینی برای پادشاهی که حتی اعتماد خود را به فرزندان‌ش را از دست می‌دهد.

این آزادی او بود که او را این چنین کرد. یکی از بنیادی‌ترین اصول لیبرالیسم اصل برابری ذاتی انسان است.

حتی لیر هم به عنوان یک انسان بی جایگاه و مقام شایسته‌ی ترحم بود.



آمنه الهایی

رشته تاریخ ۱۴۰۳

کنت وزیر لیر شاید او به عنوان وجدان بیدار صدای درون فرد ما را از استبداد فردی و آزادی بی مسئولیت برحذر دارد.

شکسپیر تراژدی نوشت که ما برای قرن‌ها آن را زندگی می‌کنیم.

تراژدی انسان همین بلاتکلیفی نسبت به آزادی است، نمی‌داند با آزادی خود چه کند، خود را به ابتذال بکشد یا ابتذال را بکشد همین است که درک نوشته‌های چند قرن پیش ما را به توهم رسیدن می‌رساند.

لیبرالی که از اعتقاد خود هراس دارد هراس از آزادی بی مسئولیت و تراژدی‌هایی که تمامی ندارند.

جنگ جنسیتی در فضای مجازی؛ واقعیت یا بهانه‌ای برای خاموش کردن زنان؟

در چنین موقعیتی، مخالفان برابری اغلب به مغلطه‌هایی متوسل می‌شوند که بارها و بارها تکرار شده است: سربازی اجباری، مهریه یا «کار در معدن». مردان بسیاری به محض شنیدن سخن از برابری حقوقی، از سختی‌های سربازی یاد می‌کنند؛ گویی زنان خواستار امتیازی فراتر از عدالت‌اند. در حالی که بخش بزرگی از زنان خود با اجبار سربازی موافق نیستند و آن را نه امتیاز، بلکه شکلی دیگر از تبعیض و اجبار می‌دانند. مهریه نیز بارها به‌عنوان دلیلی برای «برتری زنان» مطرح شده است، حال آنکه در برابر انبوه نابرابری‌های حقوقی، حتی جبران بخش کوچکی از کاستی‌ها را نمی‌کند. در جامعه‌ای که حق طلاق، اشتغال، تحصیل آزادانه و حتی ارزش شهادت زنان در دادگاه با محدودیت‌های جدی روبه‌روست، مهریه بیشتر شبیه سپری نمادین است تا تضمینی واقعی برای عدالت.

نمونه‌های عینی تبعیض نیز کم نیست. ماجرای سمیه زادمهر، مهندس جوانی که تصمیم گرفت در معدن کار کند، نشان داد چگونه حتی حضور زنان در محیط‌های کاری «مردانه» با مقاومت و آزار روبه‌رو می‌شود. بنا بر برخی گزارش‌ها، او در همان روز نخست به عمد توسط همکاران مرد در معدن حبس شد تا «حساب کار دستش بیاید». چنین برخوردهایی، بازتاب ذهنیتی است که هنوز، باور به برابری زن و مرد را تهدیدی برای ساختار سنتی قدرت می‌بیند.

با وجود این، هر بار که زنان لب به سخن می‌کشایند، صدایی دیگر نیز برمی‌خیزد که می‌گوید: «جنگ جنسیتی را پایان دهید؛ زن و مرد هر دو اشرف مخلوقات‌اند.» این جملات در ظاهر سرشار از صلح و همدلی‌اند، اما در عمل ابزاری برای انکار مسئله اصلی محسوب می‌شوند. زیرا تا زمانی که برابری واقعی میان زن و مرد محقق نشده است، نمی‌توان از جنگ یا صلح سخن گفت. آنچه جریان دارد، نه جنگی برای برتری جویی، بلکه حرکتی برای احقاق حقوق برابر است.

زنان چیزی فراتر از عدالت نمی‌خواهند. اگر گاه به نظر برسد که مطالبات آن‌ها گسترده‌تر از خواسته‌های مردان است، این نه از سر زیاده‌خواهی، بلکه پیامدی طبیعی برای جبران قرن‌ها تبعیض و نادیده‌گرفتن است. «جنگ جنسیتی» اصطلاحی است که بیشتر برای خاموش کردن صدای زنان ساخته شده است. حقیقت این است که جنگی در کار نیست؛ تنها صدایی است که پس از سال‌ها سکوت خواهان شنیده شدن است.

این روزها، در فضای مجازی شاهد بحث‌ها و جدل‌های پرشوری میان زنان و مردان هستیم؛ جدل‌هایی که بسیاری از کاربران از آن به عنوان «جنگ جنسیتی» یاد می‌کنند. اما پرسش اساسی این است: آیا واقعا میان زنان و مردان جنگی در جریان است، یا آنچه امروز دیده می‌شود، تنها تلاشی است برای بازپس‌گیری حقوقی که قرن‌ها از زنان دریغ شده است؟

از دیرباز تا امروز، زنان در بسیاری از جوامع - از جمله ایران - با تبعیض‌های آشکار و پنهان روبه‌رو بوده‌اند. آن‌ها غالباً حق تصمیم‌گیری مستقل، انتخاب آزادانه و حتی حق حیات برابر با مردان را نداشتند. در بسیاری از موارد، زن برای کوچک‌ترین امور زندگی خود نیازمند اجازه مردی در خانواده بود؛ خواه پدر، خواه برادر، یا همسر. حتی زمانی که به او اجازه کار داده می‌شد، درآمد حاصل از تلاشش به جیب مرد خانه می‌رفت و خود او در بهره‌مندی از آن سهم چندانی نداشت.

تاریخ علم و اندیشه نیز سرشار از روایت‌هایی است که نشان می‌دهد زنان تا چه اندازه در سایه قرار گرفته‌اند. زنانی دانشمند و پژوهشگر وجود داشته‌اند که کتاب‌ها و دستاوردهای علمی‌شان به نام همسران یا مردان نزدیک آن‌ها ثبت شده و برای سالیان دراز جامعه آن آثار را با نامی دیگر شناخته است. اگر زنی پا به عرصه دانایی، سیاست یا قدرت قدم می‌گذاشت، بهای آن را با تحقیر، سرکوب و محدودیت‌های بی‌پایان می‌پرداخت.

جامعه حتی به این نابرابری‌ها رنگ و لعاب فرهنگی می‌بخشید و آن‌ها را در قالب ضرب‌المثل‌ها، داستان‌ها و آموزه‌های تربیتی به نسل‌های بعدی منتقل می‌کرد؛ تا جایی که بسیاری از زنان خود نیز باور می‌کردند مردان «برتر» و «توانمندتر»ند و تصمیم‌گیری درباره زندگی زن باید در اختیار آنان باشد. اما در سال‌های اخیر، فضای مجازی امکانی تازه در اختیار زنان قرار داده است. این بستر دریچه‌ای شد برای شنیده شدن صداهایی که پیش‌تر در حاشیه و سکوت مانده بودند. زنان ایرانی در شبکه‌های اجتماعی توانسته‌اند از تبعیض‌ها سخن بگویند، تجربه‌های شخصی خود را روایت کنند و با زبانی صریح خواهان عدالت و برابری شوند. با این حال، همین حرکت با واکنش‌های تند و گسترده روبه‌رو شده است. بسیاری از زنان مطالبه‌گر، تنها به دلیل بیان خواسته‌های بدیهی‌شان با برچسب‌هایی چون «مردستیز»، «سلیطه» یا «خانه‌خراب‌کن» مواجه می‌شوند. به آن‌ها نسبت داده می‌شود که قصد دارند بنیان خانواده را ویران کنند و جامعه را به سوی بی‌ثباتی بکشانند.



فاطمه زارع

مدیریت بازرگانی ۱۴۰۲

«دانشگاه در تر از گفتوگو و شفافیت»

روایت دکتر صداقت‌جو از چالش‌های دانشگاه خلیج فارس



در دانشگاه خلیج فارس فضای فکری باز و متنوعی حاکم است و عموماً اساتید با دیدگاه‌های مختلف، تعامل و گفت‌وگو دارند.

کانون صنفی اساتید دانشگاه خلیج فارس در سال ۱۳۹۹ با پیگیری شخصی دکتر صداقت‌جو و همکاری چند تن از همکاران تأسیس شد. از آن‌جا که وزارت کشور مستقیماً مجوز تشکیل تشکل‌های صنفی دانشگاهی صادر نمی‌کند، کانون به زیرمجموعه یکی از تشکل‌های صنفی دارای مجوز پیوست. هدف اصلی این کانون، فعالیت صنفی و دانشگاهی بود نه سیاسی؛ و اعضا با وجود تفاوت دیدگاه‌ها بر این اصل توافق داشتند. در حوزه معیشت اساتید، کانون صنفی دو بار تجمع برگزار کرد؛ دانشگاه خلیج فارس تنها دانشگاه جنوب کشور بود که چنین اقداماتی انجام داد. نخستین تجمع در دوره مدیریت دکتر مصلح و دومین آن، دو روز پس از صدور حکم دکتر مدرسی برگزار شد، اگرچه به دکتر، ارتباطی نداشت.

کانون همچنین پیگیر شفافیت و مقابله با اقدامات غیرقانونی بود؛ امری که گاهی با واکنش‌ها و فشارهایی همراه می‌شد. برای نمونه، مطالب یکی از همکاران که یک سال پیش نوشته شده بود، پس از مدتی توسط برخی افراد بازنشر شد و نشان داد اخبار دانشگاه گاه از درون یا بیرون درز می‌کند. در دوره مدیریت دکتر مدرسی، فضای دانشگاه به گفته دکتر صداقت‌جو امنیتی و بسته بود. بسیاری از گروه‌های اساتید رصد می‌شدند و پیام‌های ارسالی در گروه‌ها به سرعت به بیرون منتقل می‌شد. حتی برای پیام‌های ساده، حراست با اساتید تماس می‌گرفت و برخی استادان به دلیل اظهار نظرهای انتقادی احضار می‌شدند. انتشار مطالب تخریبی علیه وی و چند استاد دیگر توسط یک نشریه نیز از جمله نمونه‌های فشارهای رسانه‌ای بود. این اقدامات ریشه در ماجرای پرداخت پاداش‌های غیرمعارف به برخی مدیران در پایان سال ۱۴۰۲ داشت. مبالغی بین ۷۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان به برخی مدیران پرداخت شده بود که افشای آن واکنش‌های گسترده‌ای برانگیخت.

کتر صداقت‌جو تأکید کرد که در آن دوره، شفافیت مالی وجود نداشت و تصمیم‌گیری‌ها تنها در حلقه‌ای محدود صورت می‌گرفت. اساتید در تصمیمات مهم، به‌ویژه در حوزه‌های مالی، استخدامی و دانشجویی، نقشی نداشتند. تشکل‌های صنفی و انجمن اسلامی دانشگاه نیز غیرفعال بودند و انتخابات برگزار نمی‌شد.

وی معتقد است که ادامه چنین روندی می‌توانست وضعیت دانشگاه را به‌طور جدی بحرانی کند. با وجود تلاش تیم مدیریتی وقت برای حفظ موقعیت خود، اساتید معترض مانع از اقدامات یک‌جانبه شدند. پس از حادثه سقوط بالگرد آقای رئیسی، کانون صنفی برای انتخاب رئیس جدید دانشگاه نظرسنجی ناشناس برگزار کرد. درصد زیادی از اساتید در این نظرسنجی شرکت کردند و دکتر شیرزادی با اختلافی معنادار بیشترین رأی را به‌دست آورد. وزارتخانه نیز این نتیجه را پذیرفت و تلاش برخی نهادهای بیرونی برای تحمیل گزینه خود ناکام ماند. در جریان ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱، اعضای کانون و حتی برخی افراد در کمیته‌های انضباطی تلاش کردند با برخوردی ملایم‌تر از آسیب‌دیدن دانشجویان جلوگیری کنند. او معتقد است اکثر اعضای هیئت‌علمی دانشگاه ذهنی باز دارند و گفت‌وگو میان افراد با دیدگاه‌های متفاوت ممکن است. با این حال، دوره مدیریت دکتر مدرسی با فشار و محدودیت‌هایی برای کانون همراه بود. اگرچه کانون مجوز رسمی داشت، دانشگاه تلاش می‌کرد فعالیت آن را محدود کند. اعضا تصمیم گرفتند انتخابات جدید برگزار کنند، اما معاونت فرهنگی و حراست مانع از ورود اعضا به سالن شدند و در سالن را بستند. با این حال، حدود ۱۲۰ استاد در بیرون ساختمان گرد آمدند و انتخابات در همان مکان انجام شد. در نهایت، شورای مرکزی پنج‌نفره تشکیل شد و فعالیت کانون صنفی ادامه یافت.

وی افزود: برخی از مشکلات دانشگاه بازتاب مسائل کلان کشور است. یکی از چالش‌های اصلی دانشگاه‌ها، معیشت و مسکن اعضای هیئت‌علمی است. بسیاری از اساتید به دلیل محدودیت‌های مالی انگیزه خود را از دست داده‌اند و حتی درآمد از تدریس در دانشگاه کمتر از کارهایی چون اسنپ است. دکتر صداقت‌جو معتقد است تا زمانی که نیازهای پایه‌ای اعضای هیئت‌علمی حل نشود، فعالیت علمی و پژوهشی جدی امکان‌پذیر نیست.

او همچنین از دخالت نهادهای بیرونی در امور دانشگاه انتقاد کرد و گفت: نهادهایی مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی در انتخاب رؤسا و معاونان نقش دارند و تأخیر یا رد صلاحیت عمومی می‌تواند سرنوشت مدیریت دانشگاه را تغییر دهد. محدودیت‌ها و اعمال سیستم «صلاحیت عمومی» باعث خفه‌شدن نقد و کاهش استقلال دانشگاه‌ها شده است.



مهديه احمدی

رشته زبان و ادبیات عرب ۱۴۰۲

گفت و گو با دکتر مصلح

عضو هیئت علمی و رئیس دانشگاه در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰

۴. برخی معتقدند دانشگاه باید «عرصه تمرین آزادی» باشد، اما در عمل بیشتر «محل کنترل و محدودیت» بوده است. نظر شما چیست؟

کارکرد و مأموریت دانشگاه به گونه‌ای است که آزادی برای آن نقشی کلیدی و حیاتی دارد؛ و دانشگاه بدون آزادی بیان و اظهار نظر، از ماهیت خود تهی می‌شود و کارکردی نخواهد داشت. یکی از کارکردهای آزادی دانشگاهی، ایجاد بستری برای تمرین و رشد دانشجویان است تا برای ورود به جامعه و ایفای نقش در توسعه کشور آماده شوند.

ساختارها و برنامه‌هایی نیز با عناوین مختلف برای تحقق این هدف در دانشگاه طراحی شده‌اند. اما همچنان این کارکرد با چالش‌های زیادی مواجه است و شرایط مطلوب برای اندیشیدن و اظهار نظر فراهم نشده است.

در دوره مدیریت خود تلاش کردیم از حریم آزادی بیان و اظهار نظر صیانت کنیم، ولی میزان موفقیت ما را باید جامعه دانشگاهی قضاوت کند. اما می‌توانم بگویم به هیچ‌وجه کسی به سبب اظهار نظر و بیان عقیده، در کمیته انضباطی دانشگاه پرونده‌سازی نشد.

۵. در دوران مدیریت شما فضای تشکل‌های دانشجویی و نشریات چگونه بود؟ اگر به آن دوران بازگردید، چه تغییری در نحوه برخورد با تشکل‌ها، نشریات و فضای فرهنگی ایجاد می‌کنید؟

در حد مقدمات، شرایط روان‌تر و آزادتری برای فعالیت تشکل‌ها فراهم کردیم و تنوع و تعداد برنامه‌های اجرا شده در آن دوره، گویای این واقعیت است. البته کار ما بدون اشکال نبود و می‌توانست بهتر باشد.

سعی کردیم فرایندهای صدور مجوز را به حداقل برسانیم یا تسهیل کنیم. با وجود چالش‌های مربوط به فرایندهای مجوزی و هماهنگی، ایجاد فضای همکاری و اعتماد می‌تواند برگزاری برنامه‌ها را روان‌تر و آسان‌تر کند.

در آن دوره، انجمن اسلامی، جامعه اسلامی و بسیج دانشجویی در کنار تعداد زیادی تشکل‌های فرهنگی و علمی فعال بودند و روند فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی و علمی دانشجویی در دوره مد نظر رشد قابل توجهی داشت.

۶. یکی از پرنگ‌ترین نقدها به مدیریت‌های مقاطع مختلف، «امنیتی‌کردن محیط دانشگاه» است. در مقاطعی شاهد بودیم که تشکل‌ها و نشریات دانشجویی محدود یا حتی تعطیل شدند. شما این مسئله را چگونه تجربه کردید و نظرتان در این باره چیست؟

۱. شما در فاصله سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰ مدیریت دانشگاه خلیج فارس را برعهده داشتید. مهم‌ترین دستاوردها و بزرگ‌ترین حسرت آن دوران چه بود؟ در آن سال‌ها دستاوردها حاصل تلاش همه همکاران و ادامه زحمات پیشینیان بود. در حوزه آموزشی، بازطراحی و ایجاد دانشکده‌هایی با رویکرد جدید و بین‌رشته‌ای مانند دانشکده مهندسی سیستم‌های هوشمند و علوم داده، دانشکده کسب‌وکار و اقتصاد انجام شد.

در پژوهش، دانشگاه توانست وارد رتبه‌بندی‌های بین‌المللی شود، قراردادهای پژوهشی و صنعتی افزایش یافت و همکاری‌های بین‌المللی گسترش پیدا کرد.

در حوزه فناوری و کارآفرینی، مراکز رشد، نوآوری و شرکت‌های فناور متعددی شکل گرفت. در بخش فرهنگی و عمرانی نیز خوابگاه‌ها، دانشکده‌ها و مراکز خدماتی متعددی تکمیل و راه‌اندازی شدند.

به‌طور کلی، دوره مذکور با گسترش ساختارها، رشد پژوهشی و تقویت ارتباط صنعت و دانشگاه همراه بود.

۲. در دوره مدیریت شما تا چه حد نهادهای بیرونی (استانداری، وزارتخانه یا نهادهای امنیتی) بر سیاست‌های دانشگاه اثرگذار بودند؟ آیا همیشه استقلال مدیریتی داشتید؟

در دوره مدنظر شما، تعامل و همکاری خوبی میان دانشگاه و نهادها و سازمان‌های بیرونی استانی و ملی برقرار بود. در عین حال، همه نهادهای بیرونی حریم دانشگاه را محترم می‌شمردند. حتی اگر نظری داشتند، به صورت طبیعی به دانشگاه منتقل می‌کردند. میزان دخالت در امور دانشگاه حداقل بود. تصمیمات شخصی در دوره اینجانب اندک بود و تصمیمات عمدتاً در قالب شوراها و کمیته‌های تخصصی اتخاذ می‌شد. در این شوراها و کمیته‌ها نیز همه با حق رأی برابر در تصمیم‌گیری مشارکت داشتند؛ در نتیجه امکان اعمال نفوذ بیرونی و داخلی به حداقل می‌رسید.

۳. یکی از انتقادهای جدی دانشجویان، برخوردهای حراست در ورودی دانشگاه، به‌ویژه با دانشجویان خانم است. آیا شما از این مسئله خبر داشتید؟ پاسخ شما به این گلایه چه بود؟

در فاصله سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰ تمام تلاش ما این بود که در امور ورود و خروج دانشجویان، کرامت و حرمت دانشجوی حفظ شود. به گونه‌ای که تذکر و کنترل‌های فیزیکی در انظار عمومی را حذف کردیم. در دوره مسوولیت، همواره بر تقدم حفظ حرمت دانشگاه و دانشجو بر هر امر دیگری تاکید داشتیم و اعلام کردیم که با هیچ توجیهی نباید حرمت دانشجو آسیب ببیند و عملاً نیز در طول این مدت، بر این عهد با جامعه دانشگاهی ایستادیم.



مهديه احمدی

رشته زبان و ادبیات عرب ۱۴۰۲



۸. چه توصیه‌ای به دانشجویان و اساتید فعال دارید تا محیط دانشگاه سالم، آزاد و پویا بماند؟

شفافیت و رفتار مبتنی بر قانون، بخش عمده‌ای از مشکلات را برطرف می‌کند. مقررات و دستورالعمل‌های شفاف، ساده و روان مسائل را حل می‌کند

با وجود آن‌که قوانین و مقررات ایراداتی دارند، بیشتر محدودیت‌ها در دانشگاه ناشی از اعمال سلیقه شخصی و تفسیر به رأی قوانین که خود، نتیجه نبود شفافیت است.

تمام ضوابط و قواعد باید دقیق تعریف شوند و مبنای عمل قرار گیرند تا حقوق همه گروه‌های دانشگاهی محفوظ بماند.

اگر شفافیت باشد، حتی در صورت وجود ایراد در مقررات، به ناچار می‌بایست آن‌ها را اصلاح کرد. ۹. به نظر شما دانشگاه خلیج فارس در شرایط فعلی با چه چالش‌ها و کمبودهایی مواجه است، راهکار شما چیست؟

مهم‌ترین چالش دانشگاه خلیج فارس ضعف تعامل، انسجام و نشاط در میان اعضای جامعه دانشگاهی است.

برای رفع این مشکلات باید سرمایه اجتماعی و همکاری درون دانشگاهی تقویت شود.

فعال‌سازی تشکلهای علمی، فرهنگی و سیاسی، تقویت ارتباط دانشگاه با صنعت، توسعه کارآفرینی و نوآوری برای استقلال اقتصادی دانشجویان، بهبود زیرساخت‌های خوابگاهی و رفاهی، تسریع در پروژه‌های عمرانی، و ارتقای جایگاه ملی و بین‌المللی دانشگاه از مهم‌ترین راهکارهاست.

امنیتی‌شدن و یا امنیتی‌کردن محیط دانشگاه از مواردی است که شدیداً ضد کارکرد دانشگاه است. اندیشه‌ورزی، خلاقیت و تفکر در یک محیط امنیتی‌شده شکل نمی‌گیرد و اگر تفکر و اندیشه‌ورزی با مانع مواجه شوند، عملاً دانشگاه وجود نخواهد داشت، هرچند بهترین ساختمان‌ها و بزرگترین تابلوها را داشته باشید.

چنین فضایی در زمان بروز حوادث و چالش‌های سیاسی و امنیتی به وجود می‌آید، گاه عده‌ای می‌کوشند با امنیتی‌کردن محیط دانشگاه مانع کارکرد شایسته دانشگاه در جامعه شوند؛ یا به زعم خودشان اداره امور را برای خود آسان کنند؛ یا به دلیل عدم اعتماد به نفس و ناتوانی در مواجهه با تحولات سیاسی به امنیتی‌کردن محیط دانشگاه می‌پردازند.

در دوره مدیریت من، هیچ مجوزی از نشریات لغو نشد و بیشترین میزان مجوزها برای فعالیت‌های مختلف صادر گردید و از این بابت خرسندم. هرچند ممکن است هنوز تا وضعیت ایده‌آل فاصله داشته باشیم.

۷. اگر شما جای ما بودید، از خودتان چه سؤالی می‌پرسیدید و پاسختان چه بود؟

سوالات اساسی‌تری قابل طرح است؛ مانند: مأموریت دانشگاه‌ها در عصر کنونی، نقد پارادایم‌های مختلف دانشگاهی (دانشگاه آموزش محور، پژوهش محور، نسل سوم یا کارآفرین)، مسؤولیت اجتماعی دانشگاه و دانشجو، نقش دانشگاه در حل مسائل جامعه و توسعه ملی و منطقه‌ای، چارچوب مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و فناوری، مسائل و چالش‌های مرتبط با مسیر ورود دانشجویان به بازار کار، فلسفه و چارچوب فعالیت سیاسی و فرهنگی دانشجویان، راه‌کارها و پیشنهادهایی برای بهبود حوزه‌های مختلف دانشگاهی و ...

چالش‌ها و ضرورت پاسخگویی در دانشگاه خلیج فارس



خدمات رفاهی دانشگاه؛ شکاف میان هزینه و کیفیت

در حوزه رفاه دانشجویی، افزایش چشمگیر هزینه‌های سلف و خوابگاه‌ها در سال گذشته نگرانی‌های زیادی را ایجاد کرده است. با وجود افزایش قیمت وعده‌های غذایی و هزینه اقامت، کیفیت خدمات در خوابگاه‌ها و سلف‌ها همچنان مورد انتقاد دانشجویان است. انتقادهای بیشتر بر کیفیت غذا، نبود تنوع، رعایت نشدن استانداردهای بهداشتی و سیاست‌هایی مانند حذف وعده‌های غذایی بومی‌ها در پنج‌شنبه و شام‌ها متمرکز است. این وضعیت، احساس بی‌توجهی و تبعیض را در میان دانشجویان تشدید کرده است.

افزایش هزینه خوابگاه برای دانشجویان سنواتی، بی‌توجهی به مصوبه رسمی صندوق رفاه

در سال جاری، صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم در مصوبه‌ای رسمی اعلام کرد که مبلغ اجاره‌بهای خوابگاه دانشجویان واجد شرایط در سنوات اضافه باید به صورت پلکانی محاسبه شود، به این ترتیب که برای نیم‌سال اول اضافه تا ۵۰ درصد، نیم‌سال دوم تا دو برابر، نیم‌سال سوم تا سه برابر، نیم‌سال چهارم تا چهار برابر، و از نیم‌سال پنجم به بعد تا ده برابر مبلغ اجاره‌بهای دانشجویان روزانه در سنوات عادی تعیین می‌شود. این مصوبه بر اصل عدالت و تناسب میان میزان سنوات و میزان افزایش هزینه تأکید دارد.

با این حال، طبق گزارش‌ها و گلایه‌های متعدد دانشجویان دانشگاه خلیج فارس، این مقررات به درستی اجرا نشده است. بسیاری از دانشجویان می‌گویند که دانشگاه برای تمام دانشجویان سنواتی، بدون توجه به تعداد ترم‌های اضافه، مبلغی ثابت و افزایش یافته تعیین کرده است. به گونه‌ای که حتی دانشجویی که تنها یک ترم سنواتی دارد، باید همان مبلغی را بپردازد که برای دو یا سه ترم سنواتی در نظر گرفته شده است.

این اقدام، علاوه بر مغایرت با مصوبه رسمی صندوق رفاه، نوعی بی‌عدالتی آشکار میان دانشجویان به شمار می‌رود و نشان‌دهنده نبود نظارت کافی بر نحوه اجرای سیاست‌های رفاهی در دانشگاه است.

بحران‌هایی که بدون پاسخ می‌مانند

وقوع دو آتش‌سوزی در سالن‌های ابن‌سینا و رازی در ماه‌های اخیر، نمونه‌ای نگران‌کننده از ضعف مدیریت بحران و نبود شفافیت در اطلاع‌رسانی است.

عدم انتشار گزارش‌های دقیق و شفاف درباره علل این حوادث، سؤالات جدی درباره ایمنی فضاهای دانشگاهی و میزان توجه به سلامت و امنیت دانشجویان مطرح کرده است.

مدیریت دانشگاه باید در زمینه ایمنی و سلامت دانشجویان، مسئولانه‌تر عمل کند و با شفاف‌سازی اطلاعات، اعتماد از دست رفته دانشجویان را بازسازی نماید.

مجموع این مسائل نشان می‌دهد دانشگاه نیازمند رویکردی تازه بر پایه شفافیت، پاسخگویی و احترام واقعی به دانشجویان است.

اگر قرار است این دانشگاه به جایگاه علمی و فرهنگی خود بازگردد، باید از نگاه بالا به پایین به دانشجویان دست بردارد و آنان را به عنوان شریک اصلی در اداره محیط دانشگاه به رسمیت بشناسد.

اصلاح ساختارهای آموزشی، بازنگری در سیاست‌های رفاهی، و ایجاد کانال‌های واقعی گفت‌وگو میان دانشجو و مسئولان، تنها راه بازسازی اعتماد و احیای پویایی در دانشگاه خلیج فارس است.

دانشگاه خلیج فارس همواره به عنوان نهادی علمی و فرهنگی شناخته می‌شود اما تجربه‌ی چند سال اخیر نشان داده است که فضای بسته و محدودکننده در مدیریت گذشته، مانع از بروز خلاقیت، مشارکت و نقد آزاد در میان دانشجویان و تشکل‌ها بوده است.

در سال‌های پیش، بسیاری از فعالیت‌های صنفی و فرهنگی دانشجویان با موانع متعدد روبه‌رو شدو حتی تشکل‌هایی مانند انجمن اسلامی ماه‌ها در انتظار صدور مجوز فعالیت باقی ماندند.

نظام آموزشی؛ نیازمند بازنگری و پاسخگویی

با آغاز مدیریت جدید، انتظار می‌رود دانشگاه به محیطی زنده، پویا و پاسخگو تبدیل شود؛ جایی که دانشجویان و تشکل‌ها بتوانند آزادانه دیدگاه خود را مطرح کنند، از نقد نترسند و در فرآیند تصمیم‌گیری سهیم باشند.

با این حال، چالش‌های جدی همچنان پابرجاست. یکی از مهم‌ترین حوزه‌ها، نظام آموزشی و شیوه مدیریت آن است.

دانشجویان بارها نسبت به روش تدریس، نحوه ارزیابی، و بی‌توجهی به اخلاق حرفه‌ای برخی اساتید انتقاد کرده‌اند. فرم ارزشیابی اساتید، که هر ترم توسط دانشجویان تکمیل می‌شود، عملاً به فرمی بی‌اثر تبدیل شده است؛ نه بازخوردی به دانشجویان داده می‌شود، نه اصلاحی در عملکرد اساتید دیده می‌شود.

در کنار این مسئله، نارضایتی گسترده‌ای از نحوه برنامه‌ریزی امتحانات پایان‌ترم، وجود دارد. دانشجویان از فاصله‌ی اندک میان پایان کلاس‌ها و آغاز امتحانات گلایه دارند، به گونه‌ای که فرصت مرور و مطالعه‌ی مؤثر از آنان سلب می‌شود.

در برخی از رشته‌ها برگزاری پیاپی امتحانات و نبود هماهنگی میان گروه‌های آموزشی باعث شده فشار روانی و تحصیلی دانشجویان چند برابر شود. این وضعیت نشانگر نارسایی در برنامه‌ریزی و نبود هماهنگی میان مدیریت گروه‌ها و آموزش دانشگاه است؛ مشکلی که به جای رفع، هر ترم تکرار می‌شود و اعتماد دانشجویان به نظام آموزشی را تضعیف می‌کند.

ترم تابستانی؛ مطالبه‌ای که نادیده گرفته می‌شود

بسیاری از دانشجویان خواستار برگزاری ترم تابستان هستند و معتقدند این اقدام می‌تواند به کاهش فشار تحصیلی و جبران واحدهای درسی کمک کند.

از آن جا که اغلب دانشگاه‌های دولتی کشور این امکان را فراهم کرده‌اند، انتظار می‌رود دانشگاه خلیج فارس نیز با احترام نظر اکثریت دانشجویان، به اجرای این مطالبه اقدام کند.

از بودجه تا خروجی؛ حلقه‌ی گمشده‌ی فعالیت‌های فرهنگی

شفافیت در هزینه‌کرد بودجه دانشگاه از مهم‌ترین مطالبات دانشجویان است. بودجه فرهنگی دانشگاه باید با گزارش‌های دقیق و قابل دسترس در اختیار دانشجویان قرار گیرد تا بدانند منابع چگونه مدیریت و هزینه می‌شود.

متأسفانه بخش قابل توجهی از این بودجه‌های فرهنگی صرف برگزاری جلسات و مراسماتی می‌شود که خروجی برای دانشجویان ندارد. این وضعیت علاوه بر هدررفت منابع، موجب کاهش اعتماد دانشجویان به مدیریت دانشگاه شده است.

دانشگاه باید سیاست‌های خود را به سمت شفافیت و پاسخگویی مالی پیش برد تا بودجه‌ها صرف فعالیت‌های اثرگذار و مفید برای دانشجویان شود.



علیرضا بهادریان

مهندسی شیمی ۱۴۰۲



ناصر تقوایی
هنرمندی که دشواری آزاده زیستن
را برگزید

۱۳۲۰-۱۴۰۴